

نقش روحیات زنانه بر میزان گرایش به معنویت



شناسه خبر: ۱۴۱۲۵۲ یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۰۶:۲۵

تحقیقات بسیاری نشان می‌دهد که روحیات زنان نسبت به مردان در برپا داشتن عبادت، فعالیت‌های مذهبی و اعتقادات دینی مؤثر است.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، نقش دین در بهبود کیفیت زندگی و انس با قرآن و آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام نکته‌ای است که بارها از سوی دانشمندان جهان مورد بررسی قرار گرفته است و در مجموع این نتیجه کلی به دست آمده که دین اثر بسیار مهمی در ارتقای سبک زندگی و نظم‌دهی به برنامه‌ها دارد.

فاطمه مدیری، محقق دینی و استاد دانشگاه، طی یادداشتی به بررسی نقش دین در زندگی و ارتباط میان معنویت و جنسیت زنانه پرداخته است.

پایبندی به ارزش‌های اخلاقی در افراد دیندار بیشتر است

نقش دین و آثار مهم آن در حوزه‌های مختلف زندگی مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفته است و این موضوع را در تحقیقات مختلف ایرانی و خارجی می‌توان مشاهده کرد. افرادی مانند همیلتون، سراج زاده و ابراهیمی مشخص کرده‌اند که ارزش‌ها و باورهای دینی همراه با افزایش نظم و کاهش بزهکاری همراه است.

همچنین هومر و راگرس عنوان کرده‌اند که در افراد با دینداری بیشتر با افسردگی و میزان مرگ و میر زودرس کمتری مشاهده می‌شوند. هانلر و گنچوز (2005)، ماهونی (2005) و سولیوان (2001) نشان داده‌اند که کیفیت روابط زناشویی در افراد دیندار بالاتر از سایرین است. هانی (1978)، جلن (1984)، کلی و گراف (1997) و آزاد ارمکی (1390) به این نتیجه رسیده‌اند که پایبندی به ارزش‌های اخلاقی در افراد دیندار بیشتر است.

رابطه تفاوت‌های جنسیتی در دینداری

هر یک از این پژوهشگران تلاش کرده‌اند به نوعی آثار گرایش به معنویت بر جوانب مختلف زندگی انسان‌ها را به تصویر بکشند. اما در بین تحقیقات مشخص شده است که رابطه میان تفاوت‌های جنسیتی در دینداری و تبیین علل آن و عوامل مؤثر بر آن معمولاً مغفول مانده و گاهی یافته‌های متناقض هم در تحقیقات انجام شده به چشم می‌خورد.

هرچند در بیان تفاوت‌های جنسیتی همگونی بیشتری دیده می‌شود، اما در بیان علل این تفاوت‌ها و عقاید متفاوت و بعضاً متناقضی وجود دارد.

به طور کلی در تحقیقات علل تفاوت‌های جنسیتی در امور معنوی در سه رویکرد فیزیولوژی متفاوت زنان و مردان ساختار اجتماعی و جامعه پذیری متفاوت افراد نشان داده شده است.

در این زمینه پرسش‌های اساسی مطرح می‌شود. از جمله اینکه آیا در جامعه ما گرایش‌های معنوی در میان زنان و مردان به طور یکسان است یا در این زمینه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ آیا بررسی میان مذاهب و ادیان، تفاوت‌های جنسیتی در امور معنوی را نشان می‌دهد؟ آیا ساختار قدرت در خانواده می‌تواند گرایش‌های معنوی بیشتر زنان نسبت به مردان را تبیین کند؟

تأثیر روحیات زنانه بر میزان گرایش به معنویت

علیرغم تحقیقات بسیاری که نشان‌دهنده مؤثر بودن روحیات زنان نسبت به مردان در برپا داشتن عبادات و فعالیت‌های مذهبی و اعتقادات دینی است (آرگیل و بیت‌هالامی 1975؛ مک‌کارتنی 2002) لوونتال اعتقاد دارد که این تفاوت‌ها بسته به فرهنگ و سنت هر دین است.

او معتقد است سنت‌های مذهبی در هر دین یا مذهب در بین زنان و مردان در تعهدات و وظایف دینی مانند نماز خواندن تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند. به طوری که به عنوان مثال اسلام و یهود در بعضی از جنبه‌ها تعهدات دینی کمتری برای زنان نسبت به مردان قائل است؛ مثلاً یهود بر نماز خواندن زنان به صورت جماعت تأکید ندارد و زنان مسلمان در دوران عادت ماهانه خود نمی‌توانند وارد مسجد شوند. بنابراین انتظار می‌رود زنان در این ادیان به مکان عبادت خود توجه کمتری داشته باشند و در بعضی فعالیت‌های مذهبی زنان مسلمان و یهود ممکن است کمتر از مردان ظاهر شوند.

لوونتال نتیجه می‌گیرد هرچند به طور کلی زنان از مردان گرایش معنوی بیشتری دارند، اما فعالیت‌های دینی کمتری نسبت به مردان دارند. درنهایت در میان مسیحیان، زنان از مردان دیندارتر هستند اما در جمع مسلمانان و یهودیان، امور معنوی در مردان قوی‌تر از زنان است. (لوونتال 2001)

بررسی جنسیتی گرایش‌های معنوی در میان زنان ایرانی

در تحقیقات داخلی بررسی جنسیتی گرایش‌های معنوی در حوزه جامعه‌شناسی دین مغفول مانده و عمدتاً در تحقیقات عنوان نشده است. توسلی در مقاله‌ای به بررسی گرایش‌های دینی پرداخته و نوشته است: جنسیت بر متغیر دینداری اثرگذار است، به طوری که باور دینی و پایبندی به اعمال فردی در میان دانشجویان دختر بیشتر از پسر است. در تکثرگرایی در دین تفاوتی بین جوانان دختر و پسر وجود ندارد، اما گرایش دختران به امور معنوی خصوصی و برخورد گزینشی با دین در بین آنها کمتر از پسران است. (توسلی 1385)

همچنین محمود نجفی در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت، تفاوت جنسیتی در امور معنوی را اینطور گزارش کرده که: دختران نسبت به پسران اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند. (نجفی 1385) در عین حال سراج زاده در تحقیق خود با عنوان دین و نظم اجتماعی، به توصیف دینداری بیشتر زنان نسبت به مردان پرداخته است.

بر اساس دسته‌بندی آموزه‌های گرایش‌های معنوی در میان مسلمانان ایرانی، می‌توان به این نتیجه رسید که در دینداری ایرانی‌ها تفاوت جنسیتی وجود دارد و این تفاوت، به نفع زنان است. درواقع گرایش‌های دینی در زنان بیشتر از مردان است.

تنها استثنا در مورد شرکت کردن در آیین‌های دینی است که با مختصر تفاوتی به نفع مردان است و آن هم در سطح معناداری قابل قبول نیست؛ چرا که بسیاری از زنان در خانه‌ها و مجالس زنانه خصوصی شرکت می‌کنند در حالی که هیئت‌ها و مجالس دینی مردانه بعد اجتماعی قوی‌تری دارد.

خانواده‌های پدرسالار و گرایش معنوی دختران

کالت معتقد است تفاوت‌های جنسیتی با توجه به ساختار قدرت در خانواده باید تبیین شود و ابراز عقیده می‌کند: «دخترانی که در خانواده‌های پدرسالار بزرگ شده‌اند بیشتر به دین روی می‌آورند.» این در حالی است که تحقیقات در داخل کشور نشان می‌دهد چنین فرضیه‌ای در مورد دینداری دختران ایرانی قابل قبول نیست. در واقع توجیه دینداری زنان بر اساس تیپ خانواده پدرسالارانه رد می‌شود.

از سوی دیگر کالت مدعی بود: «زنانی که در خانواده‌ها با نفوذ پدر هستند، دینداری بیشتری دارند.» اما این اساس در کشور ما قابل قبول نیست. این یافته در جامعه‌شناسی می‌تواند یافته مهمی تلقی شود، چرا که در دوران معاصر در قالب جوامع عمدتاً ساختار قدرت به سمت برابری جلوب می‌رود و چنین وضعیتی در ایران هم گزارش شده است (آزاد ارمکی؛ 1389) انواع تیپ‌های خانوادگی می‌تواند پذیرش ساختارهای جدید در خانواده و امکان حفظ تمایلات اعتقادی را نشان دهد اما الزاماً پذیرش موقعیت‌های برابری در خانواده با کاهش سطح گرایش‌های معنوی همراه نخواهد بود.

انتهای پیام/

انتهای پیام/